



غایت سلوک و جای خالی نگاه هستی‌شناسی به آن

حجت‌الاسلام علی فضل‌ی بیان کرد: اگر بخواهیم فلسفه علم سلوک داشته باشیم به مبانی حکمت متعالیه و هستی‌شناختی علم سلوک نیاز داریم.

حجت‌الاسلام علی فضل‌ی بیان کرد: اگر بخواهیم فلسفه علم سلوک داشته باشیم به مبانی حکمت متعالیه و هستی‌شناختی علم سلوک نیاز داریم. غایت سلوک قرب الهی است و جای خالی نگاه هستی‌شناسی به غایت سلوک حس می‌شود.

به گزارش اینکنا، نشست «کرسی تاریخ فلسفه علم سلوک» امروز پنجم آذر از سوی انجمن علمی فلسفه اسلامی حوزه علمیه قم با همکاری گروه عرفان و معنویت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد.

حجت‌الاسلام علی فضل‌ی؛ استاد حوزه و دانشگاه در این نشست بیان کرد: حدود ده سال است که در حوزه فلسفه عرفان مطالبی منتشر می‌شود و ادبیاتی در این حوزه شکل گرفته است. این جلسه درباره تاریخ فلسفه علم سلوک است. ما به عنوان یک پیش فرض داریم که یک دانش علمی فرانگ است و به نوعی به مبانی تحصلی مثل روش شناختی و مبانی تصدیقی با بن مایه های فلسفه اسلامی می‌پردازد.

وی ادامه داد: این موضوع به سه شاخه تجربه عرفانی، فلسفه عرفان نظری و فلسفه علم سلوک تقسیم شده است. در حوزه عرفان اولین دانشی که می‌توان گفت در جهان پدیدار شده است عرفان عملی بوده که از قرن دوم به وجود آمده است. عرفان نظری در قرن هفتم به وجود آمده است البته ریشه های آن از قرن سوم وجود داشته است اما به عنوان یک علم با ساختار منسجم و منطقی در قرن هفتم رخ داده است.

فضل‌ی افزود: بیشتر سرمایه علمی محققان در حوزه علمیه به سمت عرفان نظری است ولی در حوزه علم سلوک خلأ بسیاری داریم. سؤال این است؛ این علم که از قرن دوم شکل گرفته دارای چه مبانی است و این مبانی را چگونه باید از نظر فلسفی مورد سنجش عقلی قرار دهیم؟

وی اظهار کرد: این مسئله بیشتر در حوزه جهان اسلام مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر فلسفه علم سلوک بررسی عقلی مبانی تحصلی و تصدیقی علم سلوک است ما چهار حوزه را در فلسفه علم سلوک را می‌توانیم مورد بررسی قرار دهیم که عبارت است از مبانی انسان شناختی، شناسه علم سلوک، مبانی هستی‌شناختی علم سلوک و مبانی معرفت‌شناختی علم سلوک.

این پژوهشگر با بیان اینکه علم سلوک دانش عرفان عملی است و خود آن نیست گفت: مقصود ما از انسان‌شناسی مسائل علم النفس است که به عنوان زیرساخت علم سلوک مورد نظر است و به مبانی سلوکی و وجود می‌پردازد و بررسی اطوار قلبی انسان و نسبت آن با مقامات قلبی مورد نظر است.

فضل‌ی ادامه داد: بنیان‌گذار علم سلوک شقیق بلخی است ولی آغازگر مبانی انسان‌شناختی علم سلوک ابوالحسین نوری در قرن سوم است که در رساله مقامات قلوب به مبانی آن می‌پردازد و میرزا هاشم اشکوری در رساله سیر سلوک اوج این علم است که می‌توان به آن مراجعه کرد.

وی با اشاره به بحث شناسه یا رئوس علم سلوک است گفت: اولین فردی که در این حوزه ورود کرده ابوالنصر سراج است که به جایگیری علم عرفان در ساختار شریعت پرداخته و آن را مورد شرح و بررسی قرار داده است. این کتاب در قرن چهارم نوشته شده است که نام‌های علم الباطن، علم المعاملات و علم القلوب در این دوره شکل گرفته است. شهاب‌الدین سهروردی کار جناب ابونصر سراج و ابوطالب مکی را ادامه داده است و جایگاه و ساختار عرفان عملی را مورد بررسی قرار داده است.

فضل‌ی افزود: مبانی هستی‌شناختی علم سلوک فوق‌العاده ویژه است و اتکای علم سلوک را بر فلسفه اسلامی نشان می‌دهد. اگر بخواهیم فلسفه علم سلوک داشته باشیم به مبانی حکمت متعالیه و هستی‌شناختی علم سلوک نیاز داریم. غایت سلوک قرب الهی است و جای خالی نگاه هستی‌شناسی به غایت سلوک حس می‌شود.

وی با بیان اینکه آیت‌الله جوادی آملی به ضرورت سیر و سلوک پرداخته اند گفت: ملاصدرا در کتب خود به ضرورت و اهمیت سیر و سلوک پرداخته است و می‌گوید که باید به سمت آن برویم. مبانی معرفت‌شناختی سلوک به علم النفس می‌پردازد و دو

مسئله در این حوزه بسیار مهم است که می توان به اتحاد عمل و عامل و دیگری حرکت جوهری استکمالی طولی نفس ناطقه است که در سلوک اتفاق می افتد. منازل سلوکی تجلی سلوکی اسماء الهی است در دل پدیدار می شود که در کتاب علم و عرفان عملی به این موضوع پرداخته شده است.

مسیوق به سابقه نبودن فلسفه علم سلوک

حجت الاسلام داوود حسن زاده سخنان دیگر این نشست بیان کرد: فلسفه علم سلوک مسیوق به سابقه نیست لذا تاریخ علم سلوک هم بی معنا خواهد بود اما مسائلی در علم سلوک مطرح شده است که می توان در تاریخ آن را جست و جو کرد و سیر تاریخی این مسائل را مورد توجه قرار داد.

وی ادامه داد: در مورد این مسئله یکسری نکات بنیادین وجود دارد؛ فلسفه یک علم مبتنی بر موضوعاتی است که فلسفه آن علم شکل می گیرد. نکته ای که وجود دارد تاریخ یک علم جزء فلسفه علم نیست میانی هستی شناختی، معرفت شناختی و انسان شناختی در حوزه فلسفه علم مطرح می شود که در اینجا می توان به مسائل تاریخی اشاره کرد.

حسن زاده افزود: به نظر می رسد اگر بخواهیم در فلسفه علم سلوک از طریق چیزی که مرسوم شده و به میانی انسان شناختی، معرفت شناختی و هستی شناختی معروف است استخراج اصول علم سلوک رخ دهد فلسفه علم سلوک خوب شکل خواهد گرفت.

وی با بیان اینکه نگاه ثانوی از تداخل بحث ها جلوگیری می کند افزود: اگر نگاه ثانوی به سالک شود تعبیر به آفاق موصل به حق شهود است و غایت سیر آفاقی انسان، شهود به حق است. مسلک الیه از این منظر است که غایت نظری سیر انسان مورد توجه است. یکی از نقص ها بحث علل مقامات و آفات مقامات یک نگاه ثانوی است. نگاه ثانوی به سالک، مسلک، مسلوک، مسلک الیه و مایسلک به بسیار مهم است. اگر به مسلک نگاه ثانوی صورت بگیرد تمام آفاق سلوک را می توان دریافت. تولید نشدن دانش در حوزه علم فلسفه

حجت الاسلام علی فضلی در انتهای این نشست در پاسخ به صحبت های سخنان قبل اظهار کرد: هنوز دانشی در حوزه فلسفه علم سلوک تولید نشده است. من به دنبال رگه هایی از علم سلوک بودم. فلسفه عرفانی که در غرب بحث می شود بیشتر بحث های شهودی و حدت وجودی است ما در حوزه فلسفه اسلامی به بعد عملی پرداخته ایم و فیلسوفانی مانند ملاصدرا، خواجه نصیر و... به این نکات پرداخته اند.

وی اضافه کرد: میراث ارزنده ای در حوزه فلسفه و عرفان وجود دارد و هر آنچه من تاکنون نوشته ام بازگفتن سخنان بزرگان تاریخ فلسفه است و بنده چیزی به آن اضافه نکرده ام.